مدرسه‌ی کوچک ده که تنها ۱۳ دانش‌آموز و معلمی ۴ دهه سابقه دارد، بسته می‌شود

اهالی روستای نارون‌بن می‌گویند با رفتن مدرسه، جوان‌ها هم می‌روند و ده خالی‌تر از همیشه می‌ماند

گزارش: مهسا رحیمی‌فر

نارون‌بن، ۱۲ آذر ۱۴۰۲: صبح زود که از کنار ساختمان سنگی مدرسه‌ی ابتدایی نارون‌بن رد می‌شوید، هنوز صدای بچه‌ها را می‌شنوید. صدای زنگ تفریح، صدای توپ پلاستیکی که به دیوار می‌خورد و صدای معلمی که نام بچه‌ها را صدا می‌زند. اما از ۱۵ آذر دیگر هیچ‌کدام از این‌ها نخواهد بود. مدرسه بسته می‌شود و ۱۳ دانش‌آموز باقی‌مانده باید هر روز مسیر ۲۲ کیلومتری تا مدرسه‌ی روستای بالادشت را با اتوبوس بروند.

این مدرسه ۴ دهه سابقه دارد و تا همین چند سال پیش ۶۰ دانش‌آموز داشت. حالا فقط ۱۳ نفر مانده‌اند و برای سال بعد هیچ ثبت‌نام تازه‌ای انجام نشده است. خانواده‌ها می‌گویند نه به این خاطر که مدرسه بد است، بلکه چون راه دیگری نمی‌بینند. وقتی کلاس‌ها خالی می‌شود، مغازه‌ها هم یکی‌یکی پایین کرکره‌هایشان را می‌کشند.

مریم صفاری، معلم کلاس سوم و چهارم، ۱۶ سال است که در این مدرسه درس می‌دهد. او می‌گوید بیشتر بچه‌ها را از نوزادی می‌شناسد. «وقتی یک کلاس فقط یک بچه دارد، معلم مجبور است یا کتاب را عقب بیندازد یا جلو برود. هیچ‌کدام درست نیست. آن بچه یا عقب می‌ماند یا بی‌حوصله می‌شود.» او می‌گوید در سال‌های پرجمعیت، گاهی ۳ پایه را در یک اتاق جا داده است.

مسیر رفت‌وبرگشت برای بچه‌ها سنگین است. در زمستان، برف گردنه‌ی کوه‌سیاه گاهی تا ۱۲ روز راه را می‌بندد. پدر یکی از دانش‌آموزان می‌گوید پسرش در یکی از همین روزها ۴ ساعت در اتوبوس گیر افتاده بود. «دیگر نمی‌خواهیم ریسک کنیم. ترجیح می‌دهیم بچه کنار ما باشد، حتی اگر کمتر درس بخواند.»

شورای روستا تلاش کرده است مانع بسته شدن مدرسه شود. در آبان امسال نامه‌ای با ۱۱۲ امضا به اداره‌ی آموزش‌وپرورش ناحیه‌ی ۲ فرستاده شد. در آن آمده است که ۱۷ خانواده حاضرند برای نگه داشتن مدرسه، سرویس رفت‌وبرگشت را خودشان تأمین کنند. پاسخ رسمی هنوز نیامده است.

در مقابل، مسئولان آموزشی می‌گویند حداقل جمعیت برای ادامه‌ی فعالیت مدرسه ۱۵ نفر است و با کاهش جمعیت روستاها، چنین مدارسی در بسیاری از نقاط کشور بسته شده‌اند. به گفته‌ی آن‌ها، دانش‌آموزان می‌توانند با کمک‌هزینه‌ی حمل‌ونقل به مدرسه‌ی بزرگ‌تر منتقل شوند. اما برای خانواده‌هایی که کشاورزی و دامداری تنها منبع درآمدشان است، این هزینه و زمان سنگین است.

روز آخر مهر، مدرسه جشن کوچکی برگزار کرد. بچه‌ها نقاشی‌هایی از کلاس و حیاط کشیدند و معلم‌شان برایشان کیک آورد. مریم صفاری می‌گوید سعی کرده است آن روز شاد باشد، اما وقتی زنگ آخر خورد، خودش هم نتوانست جلوی اشک‌هایش را بگیرد. «بچه‌ها فکر می‌کنند فقط مدرسه عوض می‌شود، اما ما می‌دانیم که این آخر یک زندگی است.»

اتوبوس مدرسه‌ی ۲۲ کیلومتر راه می‌رود تا ۱۳ دانش‌آموز برسد

مدرسه‌ی ابتدایی نارون‌بن ۴ دهه سابقه دارد و تنها ۱۳ دانش‌آموز دارد. اهالی می‌گویند با رفتن مدرسه، جوان‌ها هم می‌روند و ده خالی‌تر از همیشه می‌ماند

گزارش: مهسا رحیمی‌فر

نارون‌بن، ۱۲ آذر ۱۴۰۲: صبح زود که از کنار ساختمان سنگی مدرسه‌ی ابتدایی نارون‌بن رد می‌شوید، هنوز صدای بچه‌ها را می‌شنوید. صدای زنگ تفریح، صدای توپ پلاستیکی که به دیوار می‌خورد و صدای معلمی که نام بچه‌ها را صدا می‌زند. اما از ۱۵ آذر دیگر هیچ‌کدام از این‌ها نخواهد بود. مدرسه بسته می‌شود و ۱۳ دانش‌آموز باقی‌مانده باید هر روز مسیر ۲۲ کیلومتری تا مدرسه‌ی روستای بالادشت را با اتوبوس بروند.

این مدرسه ۴ دهه سابقه دارد و تا همین چند سال پیش ۶۰ دانش‌آموز داشت. حالا فقط ۱۳ نفر مانده‌اند و برای سال بعد هیچ ثبت‌نام تازه‌ای انجام نشده است. خانواده‌ها می‌گویند نه به این خاطر که مدرسه بد است، بلکه چون راه دیگری نمی‌بینند. وقتی کلاس‌ها خالی می‌شود، مغازه‌ها هم یکی‌یکی پایین کرکره‌هایشان را می‌کشند.

مریم صفاری، معلم کلاس سوم و چهارم، ۱۶ سال است که در این مدرسه درس می‌دهد. او می‌گوید بیشتر بچه‌ها را از نوزادی می‌شناسد. «وقتی یک کلاس فقط یک بچه دارد، معلم مجبور است یا کتاب را عقب بیندازد یا جلو برود. هیچ‌کدام درست نیست. آن بچه یا عقب می‌ماند یا بی‌حوصله می‌شود.» او می‌گوید در سال‌های پرجمعیت، گاهی ۳ پایه را در یک اتاق جا داده است.

مسیر رفت‌وبرگشت برای بچه‌ها سنگین است. در زمستان، برف گردنه‌ی کوه‌سیاه گاهی تا ۱۲ روز راه را می‌بندد. پدر یکی از دانش‌آموزان می‌گوید پسرش در یکی از همین روزها ۴ ساعت در اتوبوس گیر افتاده بود. «دیگر نمی‌خواهیم ریسک کنیم. ترجیح می‌دهیم بچه کنار ما باشد، حتی اگر کمتر درس بخواند.»

شورای روستا تلاش کرده است مانع بسته شدن مدرسه شود. در آبان امسال نامه‌ای با ۱۱۲ امضا به اداره‌ی آموزش‌وپرورش ناحیه‌ی ۲ فرستاده شد. در آن آمده است که ۱۷ خانواده حاضرند برای نگه داشتن مدرسه، سرویس رفت‌وبرگشت را خودشان تأمین کنند. پاسخ رسمی هنوز نیامده است.

در مقابل، مسئولان آموزشی می‌گویند حداقل جمعیت برای ادامه‌ی فعالیت مدرسه ۱۵ نفر است و با کاهش جمعیت روستاها، چنین مدارسی در بسیاری از نقاط کشور بسته شده‌اند. به گفته‌ی آن‌ها، دانش‌آموزان می‌توانند با کمک‌هزینه‌ی حمل‌ونقل به مدرسه‌ی بزرگ‌تر منتقل شوند. اما برای خانواده‌هایی که کشاورزی و دامداری تنها منبع درآمدشان است، این هزینه و زمان سنگین است.

روز آخر مهر، مدرسه جشن کوچکی برگزار کرد. بچه‌ها نقاشی‌هایی از کلاس و حیاط کشیدند و معلم‌شان برایشان کیک آورد. مریم صفاری می‌گوید سعی کرده است آن روز شاد باشد، اما وقتی زنگ آخر خورد، خودش هم نتوانست جلوی اشک‌هایش را بگیرد. «بچه‌ها فکر می‌کنند فقط مدرسه عوض می‌شود، اما ما می‌دانیم که این آخر یک زندگی است.»

اتوبوس مدرسه‌ی ۲۲ کیلومتر راه می‌رود تا ۱۳ دانش‌آموز برسد

مدرسه‌ی ابتدایی نارون‌بن ۴ دهه سابقه دارد و تنها ۱۳ دانش‌آموز دارد. اهالی می‌گویند با رفتن مدرسه، جوان‌ها هم می‌روند و ده خالی‌تر از همیشه می‌ماند

گزارش: مهسا رحیمی‌فر

نارون‌بن، ۱۲ آذر ۱۴۰۲: صبح زود که از کنار ساختمان سنگی مدرسه‌ی ابتدایی نارون‌بن رد می‌شوید، هنوز صدای بچه‌ها را می‌شنوید. صدای زنگ تفریح، صدای توپ پلاستیکی که به دیوار می‌خورد و صدای معلمی که نام بچه‌ها را صدا می‌زند. اما از ۱۵ آذر دیگر هیچ‌کدام از این‌ها نخواهد بود. مدرسه بسته می‌شود و ۱۳ دانش‌آموز باقی‌مانده باید هر روز مسیر ۲۲ کیلومتری تا مدرسه‌ی روستای بالادشت را با اتوبوس بروند.

این مدرسه ۴ دهه سابقه دارد و تا همین چند سال پیش ۶۰ دانش‌آموز داشت. حالا فقط ۱۳ نفر مانده‌اند و برای سال بعد هیچ ثبت‌نام تازه‌ای انجام نشده است. خانواده‌ها می‌گویند نه به این خاطر که مدرسه بد است، بلکه چون راه دیگری نمی‌بینند. وقتی کلاس‌ها خالی می‌شود، مغازه‌ها هم یکی‌یکی پایین کرکره‌هایشان را می‌کشند.

مریم صفاری، معلم کلاس سوم و چهارم، ۱۶ سال است که در این مدرسه درس می‌دهد. او می‌گوید بیشتر بچه‌ها را از نوزادی می‌شناسد. «وقتی یک کلاس فقط یک بچه دارد، معلم مجبور است یا کتاب را عقب بیندازد یا جلو برود. هیچ‌کدام درست نیست. آن بچه یا عقب می‌ماند یا بی‌حوصله می‌شود.» او می‌گوید در سال‌های پرجمعیت، گاهی ۳ پایه را در یک اتاق جا داده است.

مسیر رفت‌وبرگشت برای بچه‌ها سنگین است. در زمستان، برف گردنه‌ی کوه‌سیاه گاهی تا ۱۲ روز راه را می‌بندد. پدر یکی از دانش‌آموزان می‌گوید پسرش در یکی از همین روزها ۴ ساعت در اتوبوس گیر افتاده بود. «دیگر نمی‌خواهیم ریسک کنیم. ترجیح می‌دهیم بچه کنار ما باشد، حتی اگر کمتر درس بخواند.»

شورای روستا تلاش کرده است مانع بسته شدن مدرسه شود. در آبان امسال نامه‌ای با ۱۱۲ امضا به اداره‌ی آموزش‌وپرورش ناحیه‌ی ۲ فرستاده شد. در آن آمده است که ۱۷ خانواده حاضرند برای نگه داشتن مدرسه، سرویس رفت‌وبرگشت را خودشان تأمین کنند. پاسخ رسمی هنوز نیامده است.

در مقابل، مسئولان آموزشی می‌گویند حداقل جمعیت برای ادامه‌ی فعالیت مدرسه ۱۵ نفر است و با کاهش جمعیت روستاها، چنین مدارسی در بسیاری از نقاط کشور بسته شده‌اند. به گفته‌ی آن‌ها، دانش‌آموزان می‌توانند با کمک‌هزینه‌ی حمل‌ونقل به مدرسه‌ی بزرگ‌تر منتقل شوند. اما برای خانواده‌هایی که کشاورزی و دامداری تنها منبع درآمدشان است، این هزینه و زمان سنگین است.

روز آخر مهر، مدرسه جشن کوچکی برگزار کرد. بچه‌ها نقاشی‌هایی از کلاس و حیاط کشیدند و معلم‌شان برایشان کیک آورد. مریم صفاری می‌گوید سعی کرده است آن روز شاد باشد، اما وقتی زنگ آخر خورد، خودش هم نتوانست جلوی اشک‌هایش را بگیرد. «بچه‌ها فکر می‌کنند فقط مدرسه عوض می‌شود، اما ما می‌دانیم که این آخر یک زندگی است.»